

## تبیین نقش و جایگاه بازیگران قومی - مذهبی، در ساختار جغرافیای فرهنگی سوریه

### با تأکید بر نقش تأثیرگذار علویان

محمود مهدوی جو

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

. ابوالفضل بهنیافار 3

دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

a.behniyafar@yahoo.com

اردشیراسد بیگی

استادیار گروه تاریخ و ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: 1400/02/24 تاریخ پذیرش: 1400/04/23

#### چکیده:

بارسیدن موج بیداری اسلامی جهان عرب به سوریه، یکی از پیچیده ترین چالشهای مذهبی قومی در منطقه غرب آسیا رخ نمود و بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به کشور متوجه ساخت. شاید بتوان گفت که اهمیت ژئوپولیتیک سوریه و نقش استراتژیک این کشور در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی در اینجا این نا آرامی سوریه موثر بوده است. هر چند تحولات صورت گرفته در سوریه تا حدودی ریشه در نارضایتی‌های اقوام مختلف و اوضاع پرتنش داخلی این کشور داشته اما بدون تردید وجود منافع مشترک و گاه متضاد کشورهای خارجی در سوریه بر تعیین جنگ‌های قومی و مذهبی و گسترش بحران بی‌تأثیر نبوده است. مقاله حاضر با طرح این سوال که جایگاه بازیگران قومی و مذهبی بر ساختار جغرافیای فرهنگی سوریه چه بوده و نقش حکومت علویان در این وقوع بحران‌ها چگونه بوده است در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی، تبیین جایگاه قومی و مذهبی در بحران سوریه تحلیل می‌شود.

کلیدواژه: تاریخ اقوام، مذاهب، ساختار جغرافیایی سوریه، علویان

## مقدمه

در جهان معاصر، دین نه تنها از زندگی انسان کنار نرفته بلکه کماکان یکی از ارکان مهم اجتماعات بشری باقی مانده است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد حتی در پیشرفته‌ترین جوامع بشری نیز تعداد زیادی از افراد خود را مذهبی معرفی می‌کنند. (گوردون، 1373، 25) برخی از جامعه‌شناسان به معکوس شدن روند دنیوی شدن<sup>1</sup> در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی اذعان دارند. (افتخاری، 1389، 417) گرایش گسترده مردم جوامع غربی به معنویت و رشد روزافزون مسلمانان در اروپا در کنار خودنمایی مظاهر اسلامی نظیر حجاب در این جوامع حاکی از افزایش نقش و اهمیت دین در دنیای مدرن امروز است. دین عبارت است از مجموعه عقاید موروثی مقبول در باب روابط انسان با مبدأ وجود وی و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقائد. دین صرف نظر از چیستی منشأ آن، امری است که جنبه اجتماعی آن مسلم است و اگرچه فرضیه کسانی که دین را منشأ همه تحولات تاریخ و مبدأ همه حوادث عالم می‌شمارند، لااقل امروز کاملاً مقبول و مسلم نیست لیکن تأثیر دین در حوادث تاریخ کاملاً اثبات شده است. ادیان در یک تقسیم‌بندی کلی به ادیان الهی و غیرالهی تقسیم می‌شوند. ادیان الهی، ادیانی هستند که اساس آنها بر اعتقاد به یگانگی خداست و آن را ادیان آسمانی نیز گویند. احکام ادیان الهی از جانب خدا و از طریق پیامبران به پیروان ابلاغ می‌شود و اساس این ادیان بر تسلیم استوار است. (دهخدا، 1377، 114171). در اصطلاح متداول، در بعضی مواقع دین و مذهب در یک معنا به کار برده می‌شوند در حالی که میان آنها تفاوت‌های اساسی وجود دارد. مذهب در اصطلاح علم کلام، طریقه خاصی در فهم مسائل اعتقادی، خصوصاً مسئله امامت است که از اختلاف در توجیه مقدمات منطقی و یا تفسیر ظاهری کتاب خدا نشأت می‌گیرد و بر اساس آن مذاهب مختلفی مانند شیعه امامی، اشعری، معتزلی و ماتریدی به وجود آمده‌اند و در اصطلاح فقهی، روش خاصی در استنباط فروع دین از ظاهر کتاب خدا و سنت است که بر این اساس مذاهب شیعه اثنی عشری، زیدی، حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی و غیره ظهور کرده‌اند (دهخدا، 1377، 20574). مذاهبی که در اسلام پدید آمدند را می‌توان احزاب و دسته‌های سیاسی در نظر گرفت که به تدریج به فرق مذهبی تبدیل شدند و جنبه‌های فقهی و کلامی نیز پیدا کردند. قدیمی‌ترین فرق اسلامی را می‌توان فرقه‌های «شیعه» که به امامت و حق خلافت علی(ع) معتقد بودند و «عثمانیه» یعنی انتقام‌جویان خون عثمان دانست و بعدها فرقه‌های سیاسی «خوارج» و «مرجئه» نیز ظهور کردند و سپس فرقه‌های کلامی مانند «قدریه»، «معتزله»، «جبریه» و «اشاعره» در اسلام پدید آمدند. برخی از محققان با تأکید بر حدیث ناجیه به دنبال آن هستند تا عدد فرق اسلامی را به 72 یا 73 فرقه برسانند. مسعودی معتقد است در زمان او 73 فرقه وجود داشته است و شیخ طوسی نیز این 73 فرقه را به دو مذهب فراگیر نواصب و روافض تقسیم می‌کند. (قدیانی، 1374، ص 265). مسئله مهم در حدیث ناجیه شناخت گروه «رستگار» است چرا که بر اساس حدیث روایت شده از پیامبر

(ص)، «کلهم فی النار الا واحده»؛ یعنی همه فرق اسلامی به جز یک گروه در آتشند. شناخت این گروه رستگار از همان ابتدا توجه علمای فرق و مذاهب اسلامی را به خود مشغول کرده است تا حدی که شیخ محمدعبده از پیشوایان اهل سنت گفته است: «گروه رستگار تا کنون برای من معین نشده است زیرا تمام فرق اسلامی مدعی پیروی از پیامبر بوده و می باشند. در برخی احادیث نیز از پیامبر(ص) این طور نقل شده است که «فرقه گمراه یکی است و دیگران رستگارند.» البته شبهاتی در مورد سند و متن این حدیث وجود دارد. (سبحانی، 1369، 31 تا 40).

### مبانی نظری

در رویکردهای سیاستین المللی، دولت‌بهنوا بنابر دیگر به مظهر حاست. دولت‌بهنشکل جدید آن از زمان انعقاد قرارداد صلح سفالیا در سال 1948 پا به عرصه وجود گذاشت. حاکمیت قدرتش از آزادی و استقلال یکدولت مستقلاست. روابط بین المللی و امور داخله خود را به وقت مایلات خود تنظیم می کنند. حاکمیت به معنای آزادی مطلق نیست، بلکه رفتار دولت‌ها به سیله قواعد و احکام حقوق بین المللی مقرر است از مانهای بین المللی که دولت‌ها در آنها عضویت دارند مشرو ط میشود (روشن و فرهادیان 1385، 87). گذشته از معانی و برداشتهای متفاوت و تیکه‌ها و اثرات هر یک حاکمیت ملی و وجود دارد. حاکمیت ملی، اعمال اقتدار دولت و کشورهای در مرزهای سرزمین مشخص است. بدین معنا که در یک قلمرو جغرافیایی معین، دولت به عنوان عالیترین نهاد سیاسی، اعمال اقتدار کرده و مرجعها بیتی تصمیم‌گیر بی‌دود دیگر مراجع داخله که صلاحیت و اقتدار شرابه چالشمی کشند بر نمی‌تابد.

برخی از دانشمندان حاکمیت را حقانحصاری حکومت‌ها و استفاده از زور یا قدرت مشروع، میدانند. بنابر این حاکمیت به معنی چیزی که قانونی حکومت بر ملت و سرزمین می‌باشد و مفهوم ماجرای قوای حکومتی بر اکثر مردم و سرزمین‌ها دود جغرافیایی می‌رساند (بدیعی 1391، 151). لیکن معتقد است که، برای اینکه حاکمیت وجود داشته باشد، سرزمین مردم نباید بخش‌های واحد‌های سیاسی دیگر باشند، سرزمین هم نباید بخش‌هایی داشته باشد که از لحاظ جغرافیایی بخش‌های آن باشند اما از لحاظ سیاسی بخش‌های آن نباشند. به‌طور خلاصه مردم باید مستقل باشند تا حاکمیت داشته باشند و از لحاظ داخلین باید اقتدار ابرقییاهم

تراز وجود داشته باشد و از لحاظ خارجی، کشور باید از سلطه دولت‌های دیگر آزاد باشد (عالم، 1387، 144). دولت‌های برآمد از معاهد سفالیا دارای شاخصه‌هایی مانند ایجاد راه، امنیت‌ها و ایمنی‌ها و غیره هستند. زمانی که

دولت فاقد توانایی لازم در انجام این شاخصه‌ها باشد دولت‌های شکست‌خورده محسوب می‌گردد. از مهم‌ترین شاخص‌های دولتند: اکارآمدی، توانمندی در میانه‌ها، انبلا بخش‌ها و وجود ناسیونالیسم قبیله‌ای و تباری، بی‌ثباتی اقتصادی، بحران مشروعیت، ناکارآمدی و تلفات و فقدان اقتدار، ناامنی، وجود سلاح در دست مردم و تکرر گروه‌های فراطیو مسلح در جامعه‌ها و هرکدام (یزدانی‌قاسمی، 1395، 61)

امروزه در اثر جهانی‌شدن، روابط بین المللی گسترش یافته و تأسیس سازمان‌های بین المللی باعث کاهش استقلال داخله حاکمیت‌ها و

یدولت

هایمیشدهاستدرواقعظهورفرایندجهانیشدنباتکیه

برانقلاباطلاعاتیومحلزدايیحصلازجهانیشدنمرزهایدولتلمینسبتهگذشتهشدهامابایدادعان

داشتهکهدرصحنهمبادلاتبینالمللی،قدرتسیاسیواققتصاد،هنوزبازیگراناصلیورسمیدولت‌ها هستند(جلالپور و همکاران، 1394، 35) او دیدگاهدرموردتحولمفهومحاکمیتدرجهانمدرنوجوددارد که عبارتند از: نخستدیدگاهرنائلیستها،که معتقدنداصل حاکمیت در نظام بین المللی در حال نابودی نیست بلکه شکل و نوع آن در حال تغییر است دیدگاه دوم مربوط به لیبرالیست ها است که اعتقاددارنددرجهانمعاصر حاکمیتضعیفگردیده‌است. اما باتوجهبهروندروبه‌رشدپدیدهجهانیشدنوگسترشفضایمجم ازی،می‌توانرونندتاوموفرسایشحاکمیتملیرابه‌موازا ته‌مشاهدهکردبه‌طوریکهباتوجهبهفرآیندشدهفضایبازیوگسترشجهانیشدن، مفهومحاکمیتدرحالدگرگونیمیشد(بدیعی 151، 1391).

#### ادبیات تحقیق :

در میان کشورهای اسلامی، بیشترین تنوع دینی و مذهبی در کشورهای لبنان و سوریه مشاهده می‌شود زیرا جوامع مسیحی و مسلمان این کشورها، به فرقه‌های زیادی تقسیم شده‌اند. تنوع مذهبی در سوریه و لبنان بسیاری از مناسبات سیاسی را در این دو کشور تحت تأثیر خود قرار داده است به نحوی که قدرت سیاسی در لبنان به صورت توافقی بین مسیحیان، اهل سنت و شیعیان تقسیم شده است. اما در سوریه شرایط متفاوت است به گونه‌ای که از سال 1970 میلادی تا کنون، قدرت در خاندان علوی مذهب اسد متمرکز گردیده است و این امر همواره نارضایتی اهل سنت را به دنبال داشته است. ایدئولوژی حزبی، ژئوپلیتیک، نظام تک حزبی و عدم گردش نخبگان سیاسی و اجتماعی، حاکمیت ناکارآمد و فرقه‌گرایی از ویژگی‌های تاریخ سوریه در دوران استقلال می‌باشند. وجود مجموعه‌ای از نیروهای مخالف در سوریه، موجب استقرار الگویی از سیاست کودتایی آمد و شد سریع نخبگان در محیطی به شدت ناامن در طی دهه‌های میانی قرن بیستم شد. در نتیجه، بحران مشروعیت نخبگان و نهادهای حاکمیتی، از جمله آسیب‌های مزمن و آزاردهنده‌ای است که جامعه سوریه در طی یک قرن اخیر با آن روبه‌رو می‌باشد. رژیم‌های کودتا که در دهه پنجاه و شصت میلادی یکی پس از دیگری روی کار می‌آمدند به منظور فائق آمدن بر یکدیگر، از گروه‌های اقلیت فقیر و محروم پارگیری می‌کردند و به این ترتیب، اقلیت‌هایی که در طول تاریخ سوریه هیچگاه مجالی برای عرض اندام نیافته بودند و توسط اکثریت سنی تحقیر و سرکوب میشدند در غیاب سنی‌هایی که به دلیل احساسات ملی‌گرایانه و دینی، حاضر به ورود به ارتش تحت رهبری و هدایت فرانس نبودند، به تدریج جذب ارتش شدند به این ترتیب، زمینه‌های رشد و تربیت نسل جدیدی از نخبگان سیاسی و نظامی غیرسنی در سوریه فراهم شد<sup>1</sup>. علویان سوریه که طی سالهای متمادی تحت فشار خلفای بنی عباس و

۱-Van Dum, Nikolaos (۱۹۸۱) The Struggle For Power in Syria, London: Croom Helm, p. ۴۰

سپس سلاطین عثمانی در رنج، محرومیت و انزوا به سر می بردند و به دلیل خشونت‌های فراوانی که علیه آنان صورت می گرفت در مناطق کوهستانی عزت گزیده بودند، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، مورد توجه فرانسویان قرار گرفتند و به تدریج جذب ساختارهای سیاسی و نظامی سوریه شدند. کناره گیری اهل سنت ناخشنود از استعمارگران، زمینه را برای قدرت یابی علویان فراهم نمودار دولت علویان لادفیه شکل گرفت. با تأسیس حزب بعث و حضور چشمگیر علویان در این حزب و در ادامه با به قدرت رسیدن حزب بعث، حافظ اسد در طی کودتایی در سال 1970 میلادی توانست قدرت را در سوریه در دست بگیرد و به این ترتیب نقش علویان در سوریه پیش از گذشته پررنگ شد. اگرچه نظام سوریه نظامی سکولار می باشد که هیچگاه عامل مذهب در آن نقش اساسی ایفا ننموده است اما اعتماد حافظ اسد و بشار اسد به علویها و اعطای پست های مهم خصوصا در ارتش و نهادهای امنیتی به آنان از یک سو و برخورد های خشونت آمیز نظام سوریه با اسلام گرایان سنی از سوی دیگر، زمینه ساز ایجاد شائبه حکومت اقلیت علوی بر اکثریت سنی گردید و یکی از مناقشات اصلی در عرصه داخلی را می توان همین عامل، یعنی شکاف مذهبی در نظر گرفت. فتاوی برخی از علمای اهل سنت مانند ابن تیمیه که ضمن تکفیر علویان، آنان را بدتر از مسیحیان و یهودیان معرفی نموده است، از جمله عواملی است که این مناقشه مذهبی را تا حد ممکن افزایش داده است.

همچنین مناقشات قومی یکی دیگر از چالش های موجود در سوریه میباشد. جامعه سوریه بر اساس عامل قومی به دو بخش عرب (بیش از 90 درصد) و کرد (حدود 10 درصد) تقسیم میشود. اقلیت کرد که تا پیش از سال 2011، یک قوم بی هویت محسوب می شد. با آغاز بحران و پس از آن جنگ داخلی سوریه تبدیل به یکی از کنشگران اصلی میدان نبرد شد که توجه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای را به خود جلب نمود. 13

### ادیان و مذاهب سوریه

بیش از 90 درصد جمعیت سوریه را مسلمانان تشکیل میدهند. 74 درصد از جمعیت سوریه را اهل سنت و 13 درصد آن را نیز پیروان فرقه نصیری (علویان)، اسماعیلیه و شیعه اثنی عشری تشکیل میدهند. جمعیت مسیحیان 10 درصد و جمعیت دروزیها نیز 3 درصد از جمعیت سوریه گزارش شده است. البته حدود پانزده هزار نفر از پیروان یزیدیه در مناطق کردنشین در شمال سوریه زندگی می کنند و تعداد بسیار کمی یهودی

۱- McGee, Thomas, ۲۰۱۲, The Stateless Syrian, Report of the Middle East and North Africa Nationality and Statelessness Research Project, Tilburg University: <http://ssrn.com/abstract=۲۲۶۹۷۰۰>

۲- (<http://worldpopulationreview.com/countries/syria-population/>)

نیز در سوریه سکونت دارند. به لحاظ قومی، 90 درصد اتباع سوری از قوم عرب و کمتر از ده درصد از قوم کرد می باشند. اقوام آشوری و ترکمن از دیگر اقوام سوریه می باشند.<sup>4</sup>

مذهب	درصد از کل جمعیت
سنی (حنفی شافعی)	74
علوی (نصیری)	11
مسیحی	10
دروزی	3
شیعه اثنی عشری	1
اسماعیلیه	1

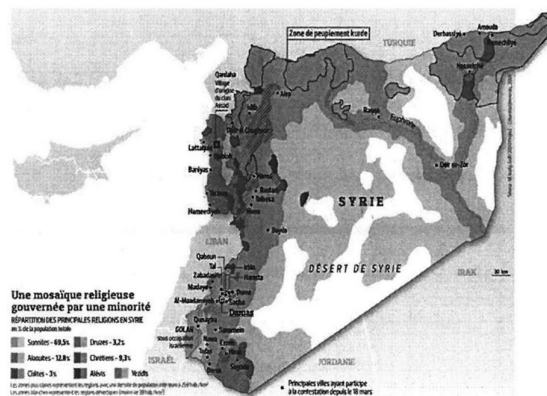
جمعیت پیروان ادیان و مذاهب در سوریه

علی رغم این که اکثریت جمعیت سوریه را مسلمانان تشکیل میدهند اما در این کشور هیچ دین یا مذهبی به عنوان دین یا مذهب رسمی معرفی نشده است. (دوئرتی، 1385، 80) با این حال، بنا به تصریح اصل سوم قانون اساسی سوریه، رئیس جمهور باید الزاماً مسلمان باشد و فقه اسلامی بدون اشاره و تأکید بر مذهب، فرقه یا طایفه خاصی، به عنوان منبع قانونگذاری معرفی شده است. براساس اصل سی و پنجم قانون اساسی سوریه، آزادی عقیده تضمین می گردد و تمامی مذاهب، مورد احترام دولت می باشند و دولت، آزادی انجام شعائر مذهبی را در صورتی که مخل نظم عمومی نباشد، تضمین می کند.

۳- ( اعراب سوریه عمدتاً پیرو مذهب حنفی و اکثریت کردها پیرو مذهب شافعی می باشند.)

۴- (p - <http://www.onreligion.co.uk/who-are-the-syrian-allawis/>)

۵- (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۳۲۲۷۷>)



اهل سنت سوریه عمدتاً در مناطق شمالی، شرقی و مرکزی سوریه ساکن هستند. هم چنین بخش عمده ای از آنان در غرب و در شهرهای بزرگی چون حما و حمص سکونت دارند. محل سکونت علوی ها در ساحل مدیترانه میباشد و دروزی ها در استان سویدا در جنوب و در امتداد مرزهای اردن متمرکز شده اند. مسیحیان نیز عمدتاً در مناطق غربی سکونت یافته اند. در ادامه به معرفی اجمالی ادیان و مذاهب سوریه پرداخته خواهد شد.

## 1. حنفیه

مذهب حنفیه از مذاهب چهارگانه اهل سنت است. پیروان ابوحنیفه نعمان بن ثابت را که ایرانی الاصل<sup>15</sup> و متولد کوفه بود و در حوالی سال 148 هجری قمری درگذشت و در بغداد به خاک سپرده شد را حنفی می نامند. ابوحنیفه قائل به رأی و اجتهاد بود و از اهل حدیث بیزاری جست. او قیاس و استحسان (رأی) را هم به عنوان یکی از اصول {فقه} پذیرفت و قیاس و رأی را پس از قرآن، سنت و اجماع به عنوان اصل چهارم قرار داد. نوبختی و ابوالحسن اشعری با استناد به قول ابوحنیفه در رساله فقه الاکبر که گفته است: «لانکفر احداً بذنب

۱- گفته می شود پدر ابوحنیفه، زوطی نام داشت و از اهالی بلخ بود و در جریان فتح خراسان به اسارت در آمد و به عراق آورده شد. زوطی به اسلام گروید و آزادی خویش را بازیافت و فرزندش ثابت زمانی متولد شد که وی مسلمان بوده است.

ولا نفی احدا عن الایمان» (ما کسی را به خاطر گناهی که مرتکب شده کافر نمی‌شماریم و از او نفی ایمان نمی‌کنیم.)، او را از مرجئه میدانند.

گفته می‌شود او خلفای عباسی را دوست نداشت و به دشمنان علوی (شیعیان ایشان از مال خود کمک می‌کرد. زمانی که منصور دوانیقی خلیفه عباسی از ابوحنیفه خواست منصب قضاوت بغداد را برعهده بگیرد او نپذیرفت و به زندان افتاد تا در گذشت (مشکور، 1372، 170 و 171).

ابو حنیفه در سفر یا سفرهایی که به حجاز داشته است، در مدینه از محضر امام محمدباقر(ع) بهره برد. محمدابوزهره در کتاب تاریخ مذاهب اسلامی درباره حوزه نفوذ و گسترش مذهب حنفیه می‌نویسد:

«مذهب حنفی در هر سرزمینی که حکومت عباسی سیطره داشت، منتشر شده است و هر جا سلطه عباسیون کم رنگ شده است، سلطه حنفیه نیز رنگبختهاست ... حنفیه در این مناطق {عراق و شام} مذهب رسمی و مردمی بوده است هر چند در مناطق ترکستان و ماوراء النهر، فقه شافعی نیز در میان مردم شیوع داشته است. مذهب حنفی در مصر و مغرب‌حوزه ی نفوذ مردمی نداشته است.» (خمینی 1389، 387).

ابوحنیفه به عنوان فقیهی مخالف با فساد دستگاه حکومت، با دیدگاههای اعتقادی خاص خود، به غیر از خوارج مورد توجه بسیاری از جناح‌های مخالف حکومت قرار گرفت. در جریان قیام زید بن علی در سالهای

121-122 هجری قمری، ابوحنیفه به صورت پنهانی او را یاری کرد و مال و جنگ افزار در اختیار او قرار داد. ابوحنیفه، امام علی (ع) را در تمامی جنگهایش بر طریق حق میدانند و اعتقاد به بغی دشمنان او دارد و پس از امام علی(ع)، امام حسن (ع) را به عنوان خلیفه و امام برحق می‌شناخت. صیمری از حنفیان متقدم عراق معتقد است که ابوحنیفه و شاگردانش، ابویوسف و شیبانی، به تفضیل علی(ع) بر عثمان اتفاق نظر داشتند. بر پایه منابع شیعه، ابوحنیفه معتقد بود هر مردی از قریش که مردم را به کتاب و سنت و عمل به عدل فراخواند، امامت او ثابت می‌گردد و بردیگران همراهی با وی در خروج واجب می‌شود. به نظر می‌رسد وی از گرایش‌های افراطی اجتناب داشت و به دنبال پیشگیری از گسیختگی‌های اجتماعی-دینی بوده است. در زمینه اجتماعی، ابوحنیفه با کمک به قیامهای شیعیان به گونه ای عملی، آرمان خود را در پدید آوردن نظامی عدل گستر و مخالفت خویش را بانظام جور مطرح ساخته بود. ابوحنیفه سخت نگران اختلافات مذهبی مسلمانان بود و ضمن دعوت مردم به تحصیل دانش و بینش، آنان را از تقلید جاهلانه و کورکورانه از سران فرقه‌ها و گروههای مختلف برحذر میداشت. (خمینی 1389، 561 تا 563).

## 2. شافعی

پیروان ابو عبدالله محمد بن ادریس را شافعی می‌نامند. وی در سال 150 هجری قمری در شهر غزه فلسطین به دنیا آمد و در سال 204 هجری قمری در فسطاط مصر درگذشت. وی در ابتدا از پیروان مالک بن انس



بود اما در ادامه برای خود مذهبی خاص اختیار کرد. محمدبن ادریس در کلام پیرو ابوالحسن اشعری بود و ادله اربعه آنان یعنی کتاب، سنت، اجماع و قیاس را قبول داشت و استحسان حنفیان و «مسائل مرسله» مالکیان را رد می کرد. وی نخستین کسی بود که اصول فقه را تدوین کرد. احمد بن حنبل بنیانگذار مذهب حنبلی از شاگردان محمد بن ادریس بوده است.

مذهب شافعی در دوران عثمانی ها در کشورهای اسلامی رواج پیدا کرد و در آغاز قرن دهم هجری قمری دیگر مذهب اهل سنت را تحت تأثیر خود قرار داد. بسیاری از مسلمانان در کشورهای جنوب شرق آسیا و اکثر کردها پیرو مذهب شافعی هستند. (مشکور، 1372، 248 و 249). تا پیش از پدید آمدن صفویه، اکثر مناطق ایران در موارد فقهی، بر اساس مذهب شافعی عمل می کردند. (خمینی، 1389، ص 809). محمدابوزهره در باب عقائد شافعی در مورد امامت می نویسد: شافعی معتقد بود او امامت امر دینی است و باید آن را اقامه کرد؛ ثانیاً امامت باید از آن قریش باشد و ثالثاً شرط صحت خلافت آن نیست که مردم قبل از پدید آمدن ولایت بیعت کرده باشند بلکه حتی اگر یک قریشی به وسیله شمشیر بر حکومت غلبه پیدا کند و بعد مورد بیعت مردم قرار گیرد، خلافتش صحیح است. شافعی همچنین عدالت را شرط بدیهی امامت میدانست شافعی معتقد بود احق مردم نسبت به امر خلافت، ابوبکر، سپس عمر، سپس عثمان و سپس امام علی بن ابی طالب (ع) می باشند.

وی همچنین با اضافه کردن عمر بن عبدالعزیز، خلفاء راشدین را پنج خلیفه می داند. شافعی نسبت به علی (ع) محبت بسیار زیادی داشت و معاویه و خوارج را باغی دانسته و در نزاع های علی (ع) با مخالفینش، همواره حق را با علی (ع) می دانسته است. محبت زیاد شافعی به علی (ع) بارها باعث شده است تا حکومتها و بسیاری از راویان مثل یحیی بن معین وی را به تشیع متهم کنند. (خمینی 1389، 808، ابو زهره، 458).

شافعی در دوران حیاتش به یمن نیز مسافرت کرد و با علویان زیدی و امام یحیی بن عبدالله از بزرگان زیدیه رفت و آمد پیدا کرد تا اینکه او را به همراه عده ای از علویان زیدی دستگیر کردند و به نزد هارون الرشید بردند. گفته میشود هارون چون از مقام علمی وی آگاه گردید او را بخشید و آزاد کرد. (مشکور 1372، 248).

### 3. دروزیه

نام این فرقه از کلمه «درزی» به معنی خیاط، مؤسس این فرقه گرفته شده است. این مرد درزی که نام او به درستی معلوم نیست در آغاز از باطیان اسماعیلی بود. مورخان نصرانی، نام او را محمدبن اسماعیل و لقب او را نشتکین نوشته اند و او را ایرانی الاصل میدانند. او در سال 408 هجری قمری به مصر رفت و از طریق حمزه بن علی زوزنی که از مقربان خلیفه فاطمی، الحاکم بامر الله بود به دربار فاطمیان راه یافت. درزی برای

الحاکم بامر الله مقام الوهیت قائل شد و گفت: عقل کلی در آدم ابوالبشر حلول کرد و به صورت او تجسد یافت و از وی به دیگر انبیاء انتقال یافت تا به حضرت محمد(ص)، ائمه(ع) و سپس خلفای فاطمی رسید. دروزیه معتقدند الحاکم بامرالله صورت ناسوتی خداوند است و خداوند همیشه درانسان حلول می کند اما تنها کسی را که به عنوان خدایی میشناسند الحاکم بامرالله است و منکر وفات او هستند و می گویند: او از چشم خلق مستور است و در آخرالزمان ظاهر خواهد شد. عقیده تناسخین ایشان شایع است و معتقدند نیکان به صورت زیبا متناسخ می شوند اما بدان به صورت سگان در می آیند. گفته می شود وی درباره عقائدش کتابی نوشت و در آن ازدواج با محارم را جایز اعلام کرد و اعتقاد به تناسخ را مطرح نمود و در پی اعتراض مردم مصر، به شام مهاجرت کرد و در آنجا کشته شد. (مشکور 1372، 192 - 194).

فرقه دروزیه علی رغم آن که از مذهب اسماعلیه نشأت گرفته بود اما به دلیل عقائد بدعت آمیزش از چارچوب مذهب اسماعیلی و شیعه خارج شد. اگرچه پیروان این فرقه با نام دروزی شناخته می شوند اما نویسندگان دروزی از عنوان موحدون برای خود استفاده می کنند. دروزیان جامعه بسته ای دارند و گرونده جدیدی را نمی پذیرند و کسی را به مذهب خود دعوت نمی کنند و از متون مذهبی و عقائد خود به صورت کاملاً مخفی نگهداری می کنند. در یک طبقه بندی درونی، پیروان فرقه دروزیه به عقال که بر حقایق دینی واقف هستند و جهال که اکثریت جامعه دروزی را تشکیل میدهند و بر حقایق دینی تشریف حاصل نکرده اند و مجاز به خواندن نوشته های سری فرقه نیستند، تقسیم می شوند. حدود یک پنجم جمعیت دروزی ها را غقال تشکیل میدهند که حضورشان در همه مناطق دروزی نشین مشهود است. بیشتر آداب مذهبی دروزی ها به غقال تعلق دارد و وظیفه چندانی متوجه جهال نیست. این فرقه به دلیل فعالیت داعیان در منطقه شامات، تنها در این منطقه به موفقیت هایی دست یافت و این عقیده جدید، ایدئولوژی لازم را برای موجی از شورشهای روستایی در شام که به موطن اصلی دروزیه تبدیل شده بود، ایجاد کرد. محل سکونت پیروان این فرقه در سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی می باشد و در هریک از این کشورها، دروزیان ساختار گروهی، مذهبی و قبیلهای خود را دارند و دارای رهبری مجزا می باشند، هرچند حس همبستگی قومی و مذهبی در بین آنها بسیار قوی است. دروزیان سوریه بیشتر در استان سویدا در جنوب غربی سوریه که جبل حوران در آن واقع شده است سکونت دارند. این منطقه هم اکنون به جبل الدروز یا جبل العرب مشهور است. (خمینی، 1389، 637 تا 647).

تعداد دروزیان سوریه 865000 نفر تخمین زده شده است.<sup>۶</sup> دروزی های لبنان در مناطقی مانند جبل، اشحار، المناصف و الجرد زندگی می کنند. در فلسطین اشغالی دروزی ها در جبل کرمل، صفا و تلمسان سکونت دارند.

رژیم صهیونیستی در میان اعراب، تنها دروزی ها را مورد شناسایی قرار داده و به دلیل اعتمادی که به آنها دارد، دروزی ها را به خدمت سربازی اعزام می کند. رژیم صهیونیستی از سال 1957 آئین دروزی را به عنوان یکی از ادیان رسمی شناخته است. (علیزاده طباطبایی، 1387، 44 و 45).

از نظر فرقه دروزیه، کلیه آداب شریعت اسلامی و حتی تأویل باطنی آن نسخ شده است و دروزیان به باطن باطن دین اعتقاد دارند. حمزه بن علی، از پیشوایان دروزی، به جای پنج حکم اصلی شریعت (نماز، روزه، حج، زکات و جهاد)، برای دروزیان هفت وظیفه که از آن بهالشروط السبعه تعبیر میشود مقرر کرد که عبارتند از: اعتقاد به الحاکم اوایمان محکم بهتوحید او، انکار عقائد غیر دروزی، رفض شیطان و کفر، قبول اعمال الهی، تسلیم به امر خدا در بلا و مصیبت، صدق اللسان و کمک به هم کیشان. دروزیان ایام خاصی از سال را روزه می گیرند که مهمترین آن، 9 روز اول ذیحجه است. روز عید اضحی (قربان) بزرگترین عید دروزی محسوب میشود. (خمینی، 1389، 648، بهمن پور 1387).

دروزیها تمایل دارند با نام «موحدین» شناخته شوند. آنها به تناسخ اعتقاد دارند و مرقد حضرت هابیل در نزدیکی دمشق و مرقد حضرت شعیب در شهر الجلیل در فلسطین از اماکن زیارتی آنان می باشد. دوران تکلیف در آئین دروزی از چهل سالگی آغاز میشود و تعدد زوجات، شرب خمر، خوردن گوشت خوک و استعمال دخانیات و مواد مخدر در این آئین حرام است.

عبادت گاه های آنها «خلوت» نام دارد و اطاق یا سالنی خالی است که در آن، شیوخ دروزی برای پیروان این آئین دعا و کتاب مقدس را قرائت کرده و شرح میدهند. (علیزاده طباطبایی، 1387، 45 و 46).

#### 4. اسماعیلیه

اسماعیلیه شاخه ای از مذهب امامیه است که در اثر اختلاف درباره جانشینی امام جعفر صادق (ع) پدید آمد. اسماعیلیه معتقدند امام جعفر صادق (ع) ابتدا بزرگ ترین پسر خود، اسماعیل را به جانشینی خود برگزید اما اسماعیل در سال 143 هجری قمری و در زمان حیات پدر از دنیا رفت. در ابتدا ظاهراً اختلافی میان معتقدان به امامت اسماعیل در شهر کوفه به وجود می آید. عده ای از آنها معتقد شدند که اسماعیل زنده است و او را مهدی نامیدند و پس از شهادت امام جعفر صادق (ع) منتظر بازگشت او ماندند. عده ای دیگر معتقد

۱- (<http://www.newworldencyclopedia.org/entry/Druze>)

۲- اصل صدق فقط درباره دروزیان اعمال می شود و در مورد دیگران، تقیه و راز داری مطلق، معمول است

شدند با شهادت امام جعفر صادق (ع)، امامت به محمد پسر اسماعیل رسیده است. اما فرقه اسماعیلیه که در نیمه دوم قرن سوم هجری به جنبشی مهم و تأثیرگذار تبدیل شد را نمی توان به معتقدان به امامت اسماعیل در کوفه نسبت داد. (مادلونگی، 1377، 149). عده ای معتقدند امام جعفر صادق (ع) پس از انتخاب اسماعیل به عنوان جانشین خود، چون اطلاع یافت او جوانی فاسق است وی را از این مقام خلع کرد<sup>7</sup>

و مقارن همین زمان، اسماعیل از دنیا رفت و حضرت صادق (ع) فرزند چهارم خود امام موسی بن جعفر (ع) را به جانشینی خود برگزید. در منابع اولیه اسماعیلیه، اغلب از شخصی به نام ابوالخطاب محمد بن ابی زینب که در کار امامت اسماعیل دست داشته سخن به میان آمده است. ابوالخطاب در ابتدا از اصحاب امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) بود و به سبب سخنان غلوآمیزش از سوی امام جعفر صادق (ع) مورد لعن قرار گرفت و طرد شد و سرانجام توسط عیسی بن موسی کشته شد. پس از مرگ ابوالخطاب، پیروانش به محمد بن اسماعیل، نوه امام جعفر صادق (ع) گرویدند و بر خلاف عده ای که هنوز در مرگ اسماعیل بن جعفر شک داشتند و او را غایب می پنداشتند<sup>8</sup>، به مرگ اسماعیل بن جعفر در زمان امام جعفر صادق (ع) گواهی دادند و پسر اسماعیل را به عنوان پیشوای بعدی خود برگزیدند. اطلاع دقیقی از زندگی محمد بن اسماعیل وجود ندارد. محمد بن اسماعیل در سال 121 هجری قمری متولد شد و هفت سال از عموی خود امام موسی بن جعفر (ع) بزرگتر بود و در سال 179 هجری قمری درگذشت. از زمان او دوره امامان مستور آغاز می شود.<sup>9</sup> برخی از مورخان نوشته اند که خانواده محمد بن اسماعیل به منطقه سلمیه در حوالی حمص در شام مهاجرت نموده و از ترس مأموران عباسی به صورت بازرگان زندگی می کردند و دعای را به اطراف بلاد اسلامی گسیل می کردند و مردم را به ظهور مهدی آخرالزمان که از نسل محمد بن اسماعیل است بشارت میدادند. اسماعیلیه، امام را بر دو نوع امام مستودع و امام مستقر تقسیم می کند. امام مستودع کسی است که پسر امام و مهمترین فرزند او و دانای به همه اسرار امامت و بزرگترین فرد زمان خود باشد، جز این که او را حقی بر فرزندانش نیست و امامت در نزد او ودیعه است. امام مستقر کسی است که از همه امتیازات امامت برخوردار است و حق دارد که امامت را به فرزندان و جانشینان خود واگذار کند. (محمدجواد مشکور، 1372، 47 - 49). پس از شهادت امام صادق (ع)، دو گروه خود را از شیعیان امامیه جدا کردند. یک گروه با انکار مرگ اسماعیل او را مهدی موعود نامیدند که آنها را اسماعیلیه خالصه (یا واقفه) می نامند. ایشان مدعی اند امام صادق (ع) صرفاً برای حفظ جان اسماعیل، مرگ وی را اعلام کرده است. گروه دوم با تمسک به روایت نبوی که امامت دو برادر را جز در مورد امام حسن (ع) و امام حسین

۱- عده ای به نقل از امام صادق (ع) معتقدند در امر امامت اسماعیل بنا (تغییر مشیت الهی) حاصل شده است اما شیعه اثنی عشری این موضوع را به گونه دیگری تفسیر می کند. بنا به اعتقاد شیعه اثنی عشری، ائمه هدی (ع) بنا به نص و تصریح پیامبر اکرم (ص) و با ذکر دقیق اسامی از پیش مشخص شده اند.

۲- پیش از خاکسپاری اسماعیل در قبرستان بقیع، امام جعفر صادق (ع) برای رفع هر گونه شبهه ای، والی مدینه را به همراه جمع کثیری از معاریف و مشایخ شهر مدینه حاضر کرد و جنازه اسماعیل را به آنها نشان داد و حاضران، مرگ اسماعیل را در مکتوبی تأیید و توشیح کردند.

۳- مادر اسماعیل، فاطمه دختر حسین بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) است و امام صادق (ع) به احترام این زن تا پایان عمر او، هیچ زن دیگری را اختیار نکرد. به همین دلیل فاصله سنی اسماعیل و برادر تنی اش افصح از امام کاظم (ع) حدود ۲۵ سال بوده است. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

(ع) منتفی میداند، امامت امام کاظم (ع) را به این دلیل که پیش از ایشان اسماعیل عهده دار منصب امامت بوده است انکار می کنند و به امامت محمد پسر اسماعیل معتقدند که بهمبارکیه معروفند با مرگ محمد بن اسماعیل، مبارکه به دو شاخه منشعب شدند و تنها گروه کوچکی از آنها تداوم امامت را در اخلاف محمد بن اسماعیل پذیرفتند و اکثریت آنها با انکار مرگ وی، در انتظار رجعت وی به عنوان امام قائم مهدی موعود باقی ماندند. این گروه بعدها به قرامطه مشهور شدند. پس از مرگ محمد بن اسماعیل، اسماعیلیان و رهبران آنها به مدت یک قرن در سکوت و خفا فعالیت می کردند و به منظور حفظ جان خود در مقابل تعرض عباسیان، تقیه می کردند تا این که عبدالله مهدی در سال 286 هجری قمری به رهبری اسماعیلیان رسید و آشکارا مدعی امامت خود و اسلافش گردید و سپس خلافت فاطمیان را در شمال افریقا بنیان نهاد.

اقامت گاه رهبرانی که قبل از عبدالله مقام امامت اسماعیلیان را برعهده داشتند ابتدا در خوزستان بوده و سپس به بصره و سرانجام به شهر سلمیه در شمال سوریه منتقل شده است. با توجه به اهمیت فراوانی که اسماعیلیان برای باطن و حقایق مکتوم در باطن دین قائل بودند، در میان مسلمانان به باطنیه مشهور شدند. (خمینی، 1389، 112 تا 114).

اسماعیلیه در اواسط قرن پنجم هجری به دو فرقه نزاریه و مستعلویه تقسیم شد زیرا المستنصر در آغاز پسر بزرگ خود نزار را به امامت اسماعیلیان برگزیده بود و سپس او را عزل و پسر دیگرش مستعلی را امام و جانشین پس از خود تعیین کرده بود. بعد از مستنصر بین نزار و مستعلی رقابت در گرفت و اسماعیلیه عراق و ایران بر خلاف اسماعیلیه شام، مصر و افریقا که امامت مستعلی را قبول کرده بودند همچنان به امامت نزار باقی ماندند. (مشکور 1372، 51).

## 5. شیعه اثنی عشری

شیعه در لغت به معنی پیروان و یاران و تابعان شخصی معین می باشد. از این رو کسانی را که به ولایت حضرت علی (ع) و پیروی از ایشان اعتقاد داشتند و ایشان را جانشین بلافضل پیامبر (ص) میدانستند «شیعه علی (ع)» نامیده اند. با گذشت زمان، به تدریج و در اثر کثرت استعمال، این افراد «شیعه» نامیده شدند. شیعیان با استناد به حدیث غدیر که توسط اکثر قریب به اتفاق مورخین سنی مذهب نقل شده است به «نص جلی» معتقدند. بر اساس حدیث غدیر، پیامبر (ص) در هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در منطقه ای به نام غدیرخم، امر فرمودند تا مردم اجتماع کنند. سپس بر فراز منبری از جهاز شتر رفتند و دست حضرت علی (ع) را بلند کردند و فرمودند: «من کنت مولا فهدا علی مولا اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.» مورخان شیعه با توجه به دو آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتة والله یعصمک من الناس»<sup>110</sup> و «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام

۱- (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۷)

۲- (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳)

دیناً<sup>۲</sup> که در این روز بر پیامبر(ص) نازل شد معتقدند حدیث غدیر دلیل متقنی بر جانشینی علی(ع) بعد از پیامبر(ص) می باشد. علاوه بر حدیث غدیر، شیعه امامیه به آیات و احادیث متواتر دیگری نیز به عنوان سند حقانیت ولایت علی(ع) و جانشینی ایشان بعد از پیامبر(ص) استناد می کنند. آیه ولایت، حدیث ثقلین، حدیث منزلت و حدیث سفینه نوحاز این جمله اند (مشکور ۱۳۷۲، ۲۷۰-۲۷۵).

شیعه به فرقه های مختلفی مانند کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و غلات تقسیم علی(ع) و یازده تن از فرزندان ایشان اعتقاد دارند و معتقد به غیبت امام دوازدهم(ع) می باشند. این گروه از شیعیان در مقابل شیعیان سبیه یا هفت امامی، اثنی عشری نامیده شدند. شیعیان اثنی عشری عمدتاً در کشورهای ایران، عراق، آذربایجان، لبنان، بحرین، پاکستان، هند، افغانستان، عربستان و کویت زندگی می کنند. حدود یک درصد از جمعیت سوریه را شیعیان اثنی عشری تشکیل می دهند<sup>۱۱</sup>. شیعیان اثنی عشری عمدتاً در حاشیه مرزهای سوریه و لبنان و در شهرکهای نبل و الزهرا در استان حلب و شهرکهای فوعه و کفریا در استان ادلب زندگی می کنند.

## ۶. یزیدیه

یزیدیه را فرقه ای از غلات دانسته اند که بیشتر در نواحی کردستان ایران و عراق زندگی می کنند. تمرکز اصلی آنها در ناحیه موصل عراق و منطقه ای به نام سنجار می باشد. تعداد اندکی از آنها نیز در دیاربکر ترکیه، حلب سوریه و تغلیس ارمنستان ساکن هستند. جمعیت یزیدیها را حدود صد هزار نفر تخمین زده اند. آئین یزیدیه یک آئین قدیمی است که سابقه آن به پیش از اسلام باز می گردد و تحت تأثیر ادیان زرتشتی و مانوی قرار دارد. در مورد وجه تسمیه این آئین اختلاف نظر وجود دارد. عده ای این آئین را منسوب به یزید بن معاویه و عده ای دیگر منسوب به یزید بن انسیه خارجی دانسته اند. اما عده ای نیز معتقدند این آئین منسوب به «ایزد» زرتشتیان می باشد. پیروان این آئین تحت تأثیر آئین مهرپرستی قرار گرفته اند و پس از اسلام، افکار صوفیان بر آنان تأثیر گذاشته است. ثنویت زرتشتی از عقائد بنیادی آنان است.

تیمور پاشا، محقق مصری که به بررسی مذهب یزیدیه پرداخته است و کتابی با عنوان «الیزیدیه و منشأ نحلتهم» در این رابطه نوشته است عقده است تا قبل از قرن ششم هجری قمری، هیچ نامی از این طایفه در تاریخ وجود ندارد و تنها در قرن ششم بود که فردی به نام «شیخ عدی» که نسبش به امویان و مروان بن

۳- «أنا وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة و هم راعون» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۵۵)، آیه مباحله ۴- ۴- «تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الكاذبین» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۱)

۵- «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبدا و انهما لن يفترقا حتى يردا علی الحوض»

۶- «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا إنه لا نبي بعدی»

۷- «ألا إن مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینة نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق» (مسند ترک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱)

۸- (اگرچه در ادامه بر اساس بیانیه علما و فضلالی علوی و فتاوی مراجع تشیع، علوی ها به عنوان شیعیان اثنی عشری معرفی خواهند شد اما به لحاظ تفاوت های تاریخی و فرهنگی علویان سوریه با شیعیان اثنی عشری ساکن در این کشور، علویان سوریه در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت)

حکم<sup>12</sup> بازمی گشت به میان آنان رفت و آنان ر به اسلام دعوت کرد و طریقه‌های به نام «عدویه» در بین آنان به وجود آورد.

شیخ عدی که در سوریه به دنیا آمده بود، به سمت کردستان عراق عزیمت کرد و در منطقه «حکاری» ساکن گردید و در بین سالهای 555 تا 558 قمری در این منطقه درگذشت. شیخ عدی نزد پیروان یزیدیه دارای مقام و جایگاه برجسته ای است به نحوی که یزیدیان خاک مزار وی را با خمیر نان آغشته می کنند و برای تبرک می خورند (مشکور 1372، 472)

خوردن تربت مزار شیخ عدی به صورت روزانه برای پیروان یزیدیه واجب است و معتقدند هرکس این کار را عمدا ترک کند کافر شده است (خمینی 1389، 1548). یزیدیان بعد از تشریف به اسلام، دست از عقائد اولیه خود در باب پرستش خورشید، ثنویت و تناسخ دست برداشتند و پس از مرگ شیخ عدی، به عقائد اولیه خود بازگشتند و در ادامه به امامت یزید بن معاویه و سپس الوهیت او معتقد شدند. یزیدیان معتقدند خداوند در کوهی به نام «لالش» ساکن است. این کوه محلی است که شیخ عدی در آن دفن شده است. آنان شیطان را طاووس مینامند و برای او مقام بالایی قائل هستند. یزیدیان موظفند در هر سال، حداقل یک بار مزار شیخ عدی و حداقل سه بار مقام طاووس را زیارت کنند.

حج آنان حضور در مرقد شیخ عدی میباشد. نماز جماعت، تعلیم قرآن برای مردم عادی، پوشیدن لباس زرد، خوردن گوشت خوک، ماهی و آهو، خوردن برخی از حبوبات مانند لوبیا، تراشیدن سبیل، نگاه کردن به زن غیر یزیدی، غسل جنابت، قضای حاجت زیر سقف، خوردن ذبیحه غیر یزیدی و فاش کردن کتابهای دوگانه مقدس از محرمات آئین یزیدیه میباشد. (خمینی، 1389، 1549)

تیمور پاشا ادعا کرده است به سندی دست یافته است که دربرگیرنده عقائد شیخ عدی میباشد و در آن آمده است:

«یزید بن معاویه امام و پسر امام است. خلافت را متولی شد و در راه خدا جهاد کرد و از او علم و حدیث نقل شده است. او از طعنه روافض درباره قتل حسین (ع) بری است و طعنه زندگان به او مهجور هستند.» (خمینی، 1389، 1548)

اگرچه در مورد وجه تسمیه یزیدیه اختلاف نظر فراوانی وجود دارد اما برخی از عقائد آنان که در کتاب «مصحف رش»، دومین کتاب مقدس آنان آمده است به ارادت آنها به امویان و شخص یزید بن معاویه اشاره دارد در این کتاب آمده است:

«محمد(ص) خادمی داشت به نام معاویه، خدا به او نگاه کرد دید وی به راه مستقیم نمی رود و می خواهد سر از اسرار او در آورد. محمد(ص) به معاویه گفت سر من را بتراش زیر وی می توانست سرتراشی کند. معاویه به آرامی بیامد ولی با شدت سر محمد(ص) را بتراشید و سرش را خون آورد، چون معاویه خون را

۱- (مورخین نام کامل او را عدی بن مسافر بن اسماعیل بن موسی بن مروان بن حسن بن مروان بن حکم دانسته اند).

دید آن را با زبان خود بلیسید تا مبادا خون محمد(ص) روی زمین بچکد. محمد(ص) به معاویه گفت این چکار بود کردی؟ معاویه گفت ترسیدم خون تو بر زمین بریزد. محمد(ص) به او گفت خطا کردی و تو امتی را به دنبال خود می کشانی و امت من لقب تو را می گیرند.

معاویه گفت پس من وارد عالم نمیشوم و ازدواج نمی کنم. پس از مدتی خداوند کژدم هایی را بر او مسلط کرد که کژدمها او را گزیدند و وی را مسموم ساختند.

پزشکان برای دفع سم، زن گرفتن را بر معاویه تجویز کردند. معاویه ناچار شد زنی بگیرد و زنی که برایش آوردند پیرزنی هشتاد ساله بود تا آبتن نشود ولی معاویه با او نزدیکی کرد و بامداد روز بعد آن پیرزن بیست و پنج ساله شد و این امر به قدرت خداوند روی داد و یزید را که خدای ماست به دنیا آورد. (مشکور، 1372، 473).

## 7. مسیحیت

سرزمین سوریه و به ویژه شهر دمشق برای مسیحیان پس از بیت المقدس و بیت اللحم در فلسطین اشغالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. گفته میشود کلیسای یوحنا تعمید دهنده که به استناد منابع مسیحی، قدیمی ترین کلیسای مسیحیان محسوب میشود در دمشق قرار دارد. همچنین کلیسای حضرت مریم در دمشق که در قرن دوم میلادی ساخته شده است و متعلق به پیروان فرقه روم ارتدکس است در زمره قدیمی ترین کلیساهای جهان قرار دارد. کلیسای کیسان و منزل حنانيا در باب توما به همراه مرقد مادر حضرت مریم (س) که در دامنه کوه قاسیون قرار دارد برای مسیحیان از تقدس ویژه ای برخوردار است. 10 درصد از جمعیت سوریه را مسیحیان تشکیل می دهند. مسیحیان ساکن در سوریه از فرقه های روم ارتدکس، روم کاتولیک، ارمن کاتولیک، ارمن ارتدکس، نسطوری، مارونی، پروتستان و سریان کاتولیک می باشند. اکثر مسیحیان سوریه از فرقه روم ارتدکس و پیرو کلیسای انطاکیه می باشند. پیروان این کلیسا حدود 12 میلیون نفر تخمین زده می شوند که در خاورمیانه، در کشورهای سوریه، لبنان و عراق سکونت دارند.

پیروان فرقه روم کاتولیک تابع واتیکان هستند و آرامنه سوریه، تابع دو کلیسای آرامنه در ارمنستان و لبنان می باشند. با توجه به اینکه، آرامگاه مارمارون» رهبر اصلی فرقه مارونی در نزدیکی شهر حلب در سوریه قرار دارد، این کشور برای مارونی ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است تعداد مارونی های سوریه حدود پنجاه هزار نفر تخمین زده میشود. مسیحیان سوریه در اغلب شهرهای این کشور به ویژه در دمشق و مناطق اطراف حمص، لاذقیه، حماه، حلب، حسکه و دیرالزور پراکنده اند (علیزاده طباطبایی، 1387، 43 و 44).

## اقوام سوریه



کردها بزرگترین اقلیت قومی سوریه را تشکیل می‌دهند، اما در مورد جمعیت آنها اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. در حالی که کردها جمعیت خود را حدود دو میلیون نفر تخمین می‌زنند دولت سوریه جمعیت آنان را کمتر از یک میلیون نفر اعلام می‌کند. علت این اختلاف آمار به عدم اعطای تابعیت به تعداد زیادی از کردهای ساکن سوریه و مهاجرت بسیاری از آنان به سایر مناطق این کشور و عدم سرشماری آنان در قالب قوم کرد باز می‌گردد. دولت سوریه در سال 1962 تابعیت بسیاری از کردها را به این دلیل که به زعم دولت از کردهای کشورهای همسایه (عراق و ترکیه) بوده و در دهه شصت میلادی و پس از تصمیم دولت سوریه در واگذاری زمین به کشاورزان، به سوریه مهاجرت کرده اند، سلب کرد.

رابطه قوم کرد و دولت مرکزی سوریه فراز و نشیب بسیاری داشته است. با به قدرت رسیدن حزب بعث در سال 1963 در سوریه با رویکرد سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی، سیاست تعریب اقوام غیرعرب از جمله کردها در دستور کار دولت قرار گرفت و برنامه کوچ اجباری و هویت زدایی از کردها آغاز شد. عدم پذیرش کردها در جامعه سوریه به حدی بود که دولت از اعطای شناسنامه هویتی به تعداد زیادی از کردها در دهه شصت میلادی امتناع کرد. هم چنین نام رسمی کشور سوریه (جمهوری عربی سوریه) از زمینه های مناقشه میان آنها و دولت سوریه است.<sup>13</sup> کردها معتقدند نام سوریه فراگیر نیست و کردها به عنوان بزرگترین اقلیت قومی نادیده گرفته شده اند. (علیزاده طباطبایی، 1387، 18).

با روی کار آمدن بشار اسد، در نحوه مواجهه دولت با کردها تغییرات محسوسی به وجود آمد و در این دوره به بخشی از کردها شناسنامه سوری اعطای شد. اما این روند چندان دوام نیافت و با قدرت گرفتن پ ک ک در شمال سوریه، مجدداً کردها و دولت سوریه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و شورش قامشلی که در سال 2004 رخ داد، امکان هرگونه تفاهم میان دولت و کردها را از میان برد. پس از آغاز اعتراضات در سوریه در سال 2011 و گسترش ناآرامی ها به سراسر کشور، کردها از فرصت پیش آمده نهایت بهره برداری را کردند و کنترل بخش وسیعی از مناطق کرد نشین را در دست گرفتند. کردها در مناطق تحت کنترل خود در چندین مرحله با معرضین مسلح درگیر شدند و آنان را از این مناطق بیرون راندند. دولت سوریه که نمی خواست جنگ داخلی گسترش یابد و طرفهای درگیر افزایش پیدا کنند، در سال 2012 نیروهای ارتش را از

---

۱- (اصل یکم از قانون اساسی سوریه: ۱) جمهوری عربی سوریه دولتی دموکراتیک، مردمی، سوسیالیست و دارای حاکمیت با سرزمین غیر قابل تجزیه است. جمهوری سوریه عضو دولت جمهوری های متحد عرب است. ۲) کشور عربی سوریه بخشی از وطن عربی است. ۳) ملت سوریه جزئی از امت عرب است و در تحقق وحدت کامل آن کوشش می کند. (محمودیان، ۱۳۹۲) «فراز و فرودهای کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:

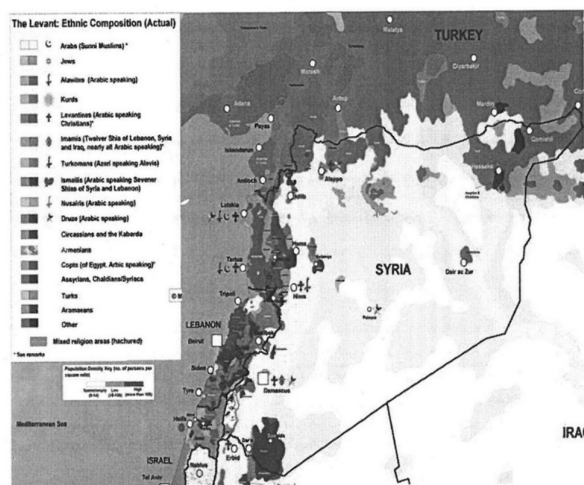
مناطق کردنشین خارج کرد و در نهایت در سال 2013 حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه در بیانیه ای مناطق کردنشین سوریه را خودگردان اعلام کرد. (محمودیان، 1392)

البته این اقدام حزب اتحاد دموکراتیک سوریه که با حمایت پ ک ک صورت گرفت، از پنج جهت با انتقاد مواجه شد: نخست، دولت سوریه این اقدام را به رسمیت نشناخته است و در قبال آن سکوت کرده است. دوم، جریان های معارض دولت این اقدام را نوعی معامله با دولت سوریه قلمداد می کنند و معتقدند کردها به انقلاب سوریه پشت کرده اند؛ سوم، سایر احزاب و جریان های کردی این اقدام حزب اتحاد دموکراتیک را خودمحوری و جاه طلبی حزبی قلمداد می کنند. چهارم، اقلیم کردستان عراق به عنوان بازیگری مهم در عرصه کردی، این اقدام را همکاری با دولت سوریه می داند. پنجم، ترکیه خودگردانی کردهای سوریه را تهدیدی برای خود قلمداد می کند و آن را مشروع نمیداند.

به هر حال کردهای سوریه که سال ها در محدودیت و انزوا به سر می بردند، توانستند از شرایط ناشی از بحران سوریه بهره برداری و خود را در قالبی تشکیلاتی بر دولت مرکزی سوریه تحمیل کنند. دولت سوریه نیز در شرایط فعلی ناگزیر از پذیرش یا دست کم سکوت در قبال تحولات کردی است.

سیاست های حزب بعث در قبال کردهای سوریه طی شش دهه گذشته از قبیل کوچاندن کردها، مهاجرت اعراب سنی و علوی به مناطق کردنشین و انزوا و محدودیت کردها باعث شده است کردهای سوریه طی سالهای گذشته نتوانند به لحاظ هویتی از هویت مستقل قومی و به لحاظ جغرافیایی از یکپارچگی برخوردار شوند. در حالی که پ ک ک مناطق کردی سوریه را «جنوب کوچک» می نامد و جریان های کردی اقلیم کردستان از آن با نام «کردستان غربی» یاد می کنند، کردها از نظر سازماندهی تشکیلاتی مانند هم قومان خود در شمال و شرق، انسجام ندارند. تعدد احزاب و جریان های کردی در مناطق خودگردان سوریه، پراکندگی جمعیتی آنان و ایفای نقش های متناقض توسط بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در تحولات کردی، هرگونه پیش بینی را در مورد آینده روابط کردها به عنوان یک گروه قومی اقلیت با دولت سوریه به عنوان یک گروه قومی حاکم ناممکن ساخته است اما آنچه مسلم است شرایط پیش آمده قابل بازگشت به نقطه صفر نخواهد بود.

کردها که در حال حاضر کنترل مناطق کردنشین سوریه را در دست گرفته اند، تا از دولت مرکزی امتیازات کافی نگیرند، از پای نخواهند نشست. شکاف قومی (کردی-عربی که قبل از بحران سوریه تقریباً شکاف غیرفعالی بود، در حال حاضر به دلیل هویت یابی کردهای سوریه و افزایش سطح مطالباتشان و هم چنین توفیق شان در نهادسازی به شکافی فعال تبدیل شده است و بحران سوریه در این فرایند نقش عامل میانجی (کاتالیزور) را ایفا کرد.



## نتیجه گیری

در زمان ترسیم نقشه سیاسی خاورمیانه در سال 1921، خطوط مرزی به گونه ای تعیین شدند که منافع انگلستان به عنوان قدیمی ترین قدرت استعماری تأمین شود. در ترسیم این مرزها واقعیات تاریخی، جغرافیایی، قومی و مذهبی نادیده گرفته شدند، به گونه ای که این مرزها به عنوان چالشی دائم، بحرانهای متعددی در خاورمیانه به وجود آورده اند. (برزگر، 1388، ش 141، ص 12). اختلافات قومی و مذهبی ناشی از ناخشنودی از مرزهای تحمیلی از عواملی است که باعث بروز تضادها و تعارضهای دائم در منطقه شده است. (مصلی نژاد، ش 14، ص 197). استعمار نیز با استفاده از اختلافات قومی و مذهبی به تضعیف

نیروها و توان امت اسلامی پرداخته است.<sup>14</sup> در سوریه شکاف قومی (عربی - کردی) و شکاف مذهبی (سنی - علوی) باعث تشدید بحران در این کشور شده است. اگرچه این دو عامل را نمی توان علت اصلی به وجود آمدن بحران در سوریه دانست، بی شک در گسترش و تداوم بحران بی تأثیر نبوده اند. (زارعان، 1392، ص 14، ش 56، ص 39). در حال حاضر شکافهای مذهبی و قومی که در اثر بحران سوریه تعمیق و فعال شده اند در قالب نمایه زیر قابل تصور است. تابعیت سوری بسیاری از کردها سلب شد. (علیزاده طباطبایی، 1387، ص 18). پس از آغاز بحران در سوریه، کردها نیز از شرایط به وجود آمده بهره برداری کردند و کنترل مناطق کردنشین را در دست گرفتند و حتی به منظور حفظ مناطق مورد ادعای خود در چند مرحله با معارضین مسلح درگیر شدند و در نهایت مناطق تحت سلطه خود را خودگردان اعلام کردند.<sup>15</sup>

حکومت حافظ اسد و بشار اسد علوی مذهب طی بیش از چهار دهه و رفتار خشونت آمیز آنها با اهل سنت ناراضی در برخی مقاطع مانند سرکوب شورش حماه در سال 1982، از عوامل تشدید بحران در سوریه است. اگرچه منشأ اصلی بحران سوریه، شکاف مذهبی (سنی - علوی) نیست، القای وجود جنگ مذهبی باعث سرازیر شدن خیل عظیمی از افراط گرایان تکفیری به سوریه برای مقابله و «جهاد با روافض» شده و بر دامنه و ابعاد بحران افزوده است.

عدم تکوین دولت - ملت یا به عبارت بهتر «هویت ملی» و شکاف فزاینده موجود میان هویت ملی و هویتهای قومی و مذهبی از ویژگی ذاتی اکثر کشورهای خاورمیانه است. (ریموند الویشس 1382، ص 27). این وضعیت به بروز بحران ها یکی پس از دیگری می انجامد و سازوکارهای امنیتی پیچیده‌ای به وجود می آورد. شکل نگرفتن هویت فراگیر و واحد در بسیاری کشورهای خاورمیانه که به بروز کشمکش های ملی و منطقه ای می انجامد، به دلیل ناکارآمدی رژیم های سیاسی در حل و فصل بحران های هویتی، پای بازیگران

---

(مقام معظم رهبری: «امروز آمریکایی ها به استفاده از تجربه و تخصص انگلیسی ها در ایجاد اختلاف های مذهبی و قومی روی آورده اند و بر همین اساس، همه ملتها، علما و نخبگان دانشگاهی منطقه اعم از شیعه و سنی باید هوشیار بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴، قابل دسترسی در: باشند تا به نقشه دشمن کمک نکنند.

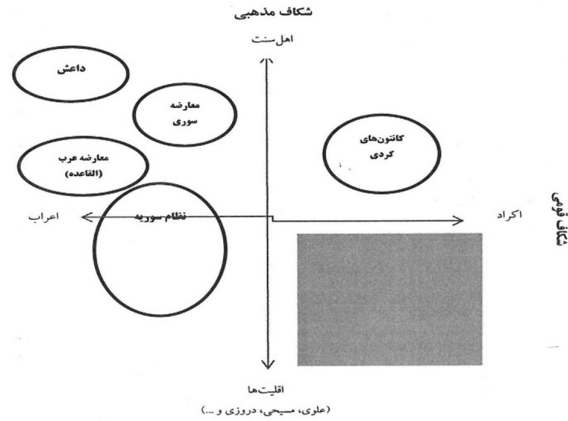
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=۹۴۷۸>

در دنیا، قرار دادن اصحاب ادیان مختلف و مذاهب مختلف در مقابل مقام معظم رهبری: «مسئله بحران آفرینی مذهبی این همکاری ملت هایی که دارای عقاید مختلف اند، ایجاد جنگ، ایجاد درگیری و ایجاد بحران، که هم، جلوگیری از بحران آفرینی کنند تا بتوانند مقاصد خواست قدرت هایی است که ادامه حیات شان منوط به بحران آفرینی است؛ باید دنبال کنند» (بیانات در دیدار دست اندرکاران ستاد اقامه نماز، ۸۵/۶/۱۷ قابل خبیث خودشان را میان جامعه بین المللی دسترسی در:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۲۹۴۰>

(محمودیان، ۱۳۹۲)، «فراز و فرود کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:

<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=۵۵۹۳۶۱Title>



بین المللی را که با مداخله کردن در این بحران‌ها، پس از به قدرت رسیدن حزب بعث و اتخاذ رویکرد سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی، سیاست تعریب اقوام عرب پیش گرفته شد و اقداماتی مانند هویت زدایی از کردها و کوچ اجباری آنان و کوچاندن اعراب به مناطق کردنشین انجام گرفت و منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را جست و جو می کنند، به منطقه باز می کند. (قادری گنگاوری، ۱۳۸۷، ش ۲۴۷، ص ۸۴). این وضعیت موجب بروز بحران‌هایی جدید ناشی از مقاومت ملتها در برابر نیروهای بیگانه می شود؛ به این ترتیب چرخهای از بحران مستمر و فزاینده شکل می گیرد.

### فهرست منابع

- امیرحامد آزاد (1393) رابطه کردهای سوریه و دولت مرکزی قبل و بعد از بحران، پژوهش‌پشتیبان شماره 253
- افتخاری، اصغر (1389) سیاست، دین و فرهنگ، تهران: دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه هنر و ارتباطات.
- برزگر، کیهان (1388)، «خاورمیانه در برزخ بحران و ثبات»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ش 141، بهمن.
- بدیعی، مرجان، 1391، جهان‌پیش‌دینو تحول مفهوم محاکمیت ملی، فصلنامه تحقیقات کاربرد در علوم جغرافیایی، سال 12، شماره 25.
- خمینی، سیدحسین (1389) فرهنگ فرق اسلامی، تهران: انتشارات اطلاعات .
- دوئرتی، تری (1385) سوریه، ترجمه مهسا خلیلی، تهران: ققنوس .
- دهخدا، علی اکبر (1377) لغت نامه، جلد هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
- دهخدا، علی اکبر (1377) لغت نامه، جلد سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (ع).
- زارعان، احمد (1392)، «سنخ شناسی شکاف های اجتماعی سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س 14، ش 56، زمستان 1392.

- سبحانی، جعفر (1369) فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی، جلد اول، قم: انتشارات سفینه.
- علیزاده طباطبایی، سیدموسی (1387) سوریه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- عالم، عبدالرحمان، 1387، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی .
- قدیانی، عباس (1374) تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران: انتشارات انیس.
- مادلونگ، ویلفرد (1377) فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات اساطیر.
- محمودیان، آرمان (1392)، «فراز و فرودهای کردهای سوریه»، قابل دسترسی در:  
<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=55936ITitle>
- مشکور، محمدجواد (1372) فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، مشهد : مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مصلی نژاد، عباس (1388)، «علل تداوم بحران های خاورمیانه در دوره جرج بوش»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش 14، بهار 1388.
- هیلد، گوردون (1373) ارزش ها و گرایش های سیاسی و مذهبی در ایالات متحده، اروپا و ژاپن، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- هینبوش، ریموند الویشس (1382)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی گل محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدانی، عنایت اللهومصطفیقاسمی، 1395، تحلیل ببردولتورشکستهدرلیبی، فصلنامه دولتی پژوهی . سال دوم ، شماره 6 .

-<http://worldpopulationreview.com/countries/syria-population/>

-<http://www.onreligion.co.uk/who-are-the-syrian-allawis/>

- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۳۲۲۷۷>

- McGee , Thomas , ۲۰۱۳, The Stateless Syrian , Report of the Middle East and North Africa Nationality and Statelessness Research Project Tilburg University:  
<http://ssrn.com/abstract=۲۲۶۹۷۰۰>

- Van Dum, Nikolaos (۱۹۱۱) The Struggle For Power in Syria, London: Croom Helm





## **Abstract**

With the arrival of the wave of Islamic awakening in the Arab world to Syria, one of the most complex ethnic religious challenges in the West Asian region

was overcome and many regional and trans-regional countries realized this country. Perhaps the importance of Geneva Casper Syria and its strategic role in Regional and international relations have contributed to the creation and perpetuation of this unrest. Although the developments in Syria are partly rooted in the dissatisfaction of different ethnic groups and the tense internal situation in this country, there is no doubt that the common and sometimes conflicting interests of foreign countries in Syria have not been ineffective in determining ethnic and religious war and crisis. By asking the question, what was the position of ethnic-religious actors in the structure of Syria's cultural geography and the role of the Alawite government after the crisis? It tries to explain the religious-ethnic position in the structure of Syria and the role of the Alawite government in the crisis by using descriptive-analytical method and using library studies and objective observations. In this regard, the following hypotheses were proposed: ethnic-religious status and government The Alawites are shaky in Syria Studies to prove the hypothesis show that after the crisis, the ethnic-religious divide in Syria has expanded after the civil war, and on the other hand, the ruling Alawite regime in Syria has strongly shifted its position from Lost.

**Keywords:** ethnicities, religions, Syrian straccheralgeography, Alawites